

نگاهی بر حق آموزش کودکان در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک

# بچه‌های اعماق



**شهرود حقوقی | هشتم اکتبر روز جهانی کودک فرصت مناسبی است تا توجه جهانیان به حقوق کودکان جالب و راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی کودکان به خصوص در کشورهای فقیر و جنگ‌زده و جهان سوم یافت شود.** یکی از حقوق اساسی کودکان موضوع آموزش و علم آموزی آنان است که در برخی مناطق قربانی ناملایمات جهان پسر از التهاب بزرگسالان شده است. هر چند اصل آموزش اجباری در بسیاری از معاهدات حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است که عنصر «اجباری» این واقعیت را برجسته می‌سازد که نه والدین، نه سرپرستان و نه دولت، حقی ندارند؛ تصمیم در زمینه دسترسی کودک به آموزش ابتدایی را اختیاری تلقی کنند. حق کودک بر آموزش نباید به دلیل بی‌توجهی والدین، سوء استفاده، جهل، فقر فرهنگی یا کار کودکان یا ممانعی مواجه شود و این امر در راستای مصالح عالیبه کودک است که در مقطع معینی نمی‌تواند از آموزش او خودداری کرد، هر چند در عمل تا رسیدن به شرایط آرمانی فاصله بسیار است. با توجه به اهمیت موضوع به بهانه روز جهانی کودک «شهرود» در گفت‌وگو با سعید عباس‌آبادی، فعال حقوق شهروندی و حقوق کودک به بررسی حق آموزش کودک در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک پرداخته است.

**• خانم عباس‌آبادی برای شروع گفت‌وگو، بر ایمان توضیحی از «آموزش» و «حق بر آموزش» از به می‌دهید!**

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت دارای مفهوم و کاربرد گسترده و پیچیده‌ای است. در تعریف این مفهوم، نه تنها میان مردم امر بلکه میان صاحب‌نظران تعلیم و تربیت هم اختلاف نظر وجود دارد. مفاهیمی مانند سوادآموزی، کارآموزی، سوادآوردن و نیز جزئیاتی از «آموزش و پرورش» محسوب می‌شوند.

مطابق تعریف سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) «آموزش و پرورش عبارت است از تمام کنش‌ها، اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی‌های محدودی مشخص شده است. بر طبق مقررات، آموزش و پرورش عمومی و مجانی مقرر شده است که هر طفلی باید سواد بیاموزد و ایون حق نداردند اطفال و نوجوانان را از نعمت سوادآموزی و خواندن و نوشتن و فراگیری علوم و فنون محروم کنند، همچنین حق ندارند اطفال را تا سنسین معینی به کار بگمارند و از آنان به‌عنوان کارگر و حتی کارآموز استفاده کنند.

**• از اهداف آموزش و پرورش در کنوانسیون حقوق کودک بند یا ماده به میان آمده است؟**

در بند یک ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با هدف آموزش و پرورش با واژه «کشورها» موافقت می‌کنند» شروع شده است. این بدین معناست که در زمینه اهداف آموزش و پرورش، یک اجماع جهانی وجود دارد که منجر به از میان برداشتن شدن مرزهای خصمانه فرهنگ در سراسر جهان شده است.

**• از این ماده ۲۹ چه برداشت یا تفسیری می‌توان داشت؟**

نخست این که مفاد کنوانسیون به هم پیوسته هستند، به طوری که ماده ۲۹ بدون در نظر گرفتن سایر مواد قابل درک نیست. علاوه بر اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک، دیگر جنبه‌های مربوط به کنوانسیون شامل مسئولیت والدین (مواد ۱۵ و ۱۸)، آزادی بیان و اندیشه (مواد ۱۳ و ۱۴)، حق دسترسی به اطلاعات، آموزش بهداشت و حق نامزدی در کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود بلکه در اجرای حق آموزش، آموزش دیگر مواد کنوانسیون نیز باید مدنظر قرار گیرند. همانند ماده ۴ که به اجرای حقوق مدرج در کنوانسیون، اعم از حق آموزش مربوط است. همچنین ماده ۵ (اصل عدم تبعیض)، ماده ۳ (در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک)، ماده ۶ (حق حیات، بقا و رشد) و ماده ۱۲ (حق ابراز آراء) عقاید کودک) که از این حقوق به‌عنوان اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود باید همگی در اجرای حق بر آموزش مورد توجه قرار گیرند. از این رو، اصل در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک باید در همه عملکردهای مربوط به کودکان اعمال شود و این مسئله نیازمند تدابیر مناسب برای حمایت از حقوق شان، توسعه، بقا، رشد، حمایت و همکاری والدین و دیگر کسانی که مسئولیت اعمال حقوق کودک را بر عهده دارند، است.

**• حق بر آموزش در نظام حقوقی ایران و ایران چگونه قابل ارزیابی است؟**

نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر مبنای عقیدتی مبتنی بر دین مبین اسلام است. دینی که مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت، تبعیض و ارتقا و تکامل مقام انسانی است. انتخاب نام این کشور، فراهم آوردن زمینه تربیت مناسب و آموزش از جمله حقوقی است که از بین اسلام برای کودکان در نظر گرفته است. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به ارزش و منزلتی که انسان در این مکتب دارد، حقوق افراد نسبت به هم، حقوق پدر و مادر نسبت به فرزندان، حقوق فرزندان نسبت به والدین، حقوق فرد نسبت به دولت و حقوق حکومت نسبت به فرد مورد توجه قرار گرفته است. در قانون مدنی ایران برای تربیت ثانوی محدودی معین

نشده است اما با توجه به ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی تربیت باید طوری باشد که طفل مهملم نماید و تکلیف ابوبن در این زمینه محدود به توانایی مالی و فکری آنان است اما در مقررات تعلیمات اجباری و قوانین کار، حدود تربیت و محدودیت تعلیمات تا حدودی مشخص شده است. بر طبق مقررات، آموزش و پرورش عمومی و مجانی مقرر شده است که هر طفلی باید سواد بیاموزد و ایون حق نداردند اطفال و نوجوانان را از نعمت سوادآموزی و خواندن و نوشتن و فراگیری علوم و فنون محروم کنند، همچنین حق ندارند اطفال را تا سنسین معینی به کار بگمارند و از آنان به‌عنوان کارگر و حتی کارآموز استفاده کنند.

**• از اهداف آموزش و پرورش در کنوانسیون حقوق کودک بند یا ماده به میان آمده است؟**

در بند یک ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با هدف آموزش و پرورش با واژه «کشورها» موافقت می‌کنند» شروع شده است. این بدین معناست که در زمینه اهداف آموزش و پرورش، یک اجماع جهانی وجود دارد که منجر به از میان برداشتن شدن مرزهای خصمانه فرهنگ در سراسر جهان شده است.

**• از این ماده ۲۹ چه برداشت یا تفسیری می‌توان داشت؟**

نخست این که مفاد کنوانسیون به هم پیوسته هستند، به طوری که ماده ۲۹ بدون در نظر گرفتن سایر مواد قابل درک نیست. علاوه بر اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک، دیگر جنبه‌های مربوط به کنوانسیون شامل مسئولیت والدین (مواد ۱۵ و ۱۸)، آزادی بیان و اندیشه (مواد ۱۳ و ۱۴)، حق دسترسی به اطلاعات، آموزش بهداشت و حق نامزدی در کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود بلکه در اجرای حق آموزش، آموزش دیگر مواد کنوانسیون نیز باید مدنظر قرار گیرند. همانند ماده ۴ که به اجرای حقوق مدرج در کنوانسیون، اعم از حق آموزش مربوط است. همچنین ماده ۵ (اصل عدم تبعیض)، ماده ۳ (در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک)، ماده ۶ (حق حیات، بقا و رشد) و ماده ۱۲ (حق ابراز آراء) عقاید کودک) که از این حقوق به‌عنوان اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود باید همگی در اجرای حق بر آموزش مورد توجه قرار گیرند. از این رو، اصل در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک باید در همه عملکردهای مربوط به کودکان اعمال شود و این مسئله نیازمند تدابیر مناسب برای حمایت از حقوق شان، توسعه، بقا، رشد، حمایت و همکاری والدین و دیگر کسانی که مسئولیت اعمال حقوق کودک را بر عهده دارند، است.

**• حق بر آموزش در نظام حقوقی ایران و ایران چگونه قابل ارزیابی است؟**

نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر مبنای عقیدتی مبتنی بر دین مبین اسلام است. دینی که مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت، تبعیض و ارتقا و تکامل مقام انسانی است. انتخاب نام این کشور، فراهم آوردن زمینه تربیت مناسب و آموزش از جمله حقوقی است که از بین اسلام برای کودکان در نظر گرفته است. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به ارزش و منزلتی که انسان در این مکتب دارد، حقوق افراد نسبت به هم، حقوق پدر و مادر نسبت به فرزندان، حقوق فرزندان نسبت به والدین، حقوق فرد نسبت به دولت و حقوق حکومت نسبت به فرد مورد توجه قرار گرفته است. در قانون مدنی ایران برای تربیت ثانوی محدودی معین

آزادی را می‌ستایند، این شعر را می‌پسندد». اما به هیچ وجه تعریفی از آزادی ارائه نشده است. در ادامه باید یادآور شد که متأسفانه، همین تعداد کم یافته‌ها نیز به صورت متناسب میان کتب مختلف و سال‌های تحصیلی توزیع نشده‌اند؛ از مجموع، با توجه به لحاظ‌شماری از آرمان‌ها و ایده‌های حقوق بشری در زمره اهداف نظام آموزشی، قرار داده است و می‌خواهد دانش‌آموزان را در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری با باورها، ارزش‌ها و احکام دینی مربوط به آن حوزه‌ها تا حد ممکن آشنا کند و عمل به آن تعلیم را در دانش‌آموزان پرورش دهد.

**• حیطه حقوق کودکان یا دانش آموزان برای خود آنها مشخص شده‌است؟ آیا اطلاع جامعی در این موارد دارند؟**

در حالی که حقوق بشر بیش از همه نگران حقوق تک‌تک افراد است، در کشور ما و در تعریف و تدوین اهداف نظام آموزشی انجام وظایف اداری و مدیران آموزشی و دبیرستان نیز به نظر هم‌چنان تفوق دارد. به‌عنوان نمونه، در نظام آموزش و پرورش ایران، یک اجماع جهانی وجود دارد که منجر به از میان برداشتن شدن مرزهای خصمانه فرهنگ در سراسر جهان شده است.

**• از این ماده ۲۹ چه برداشت یا تفسیری می‌توان داشت؟**

نخست این که مفاد کنوانسیون به هم پیوسته هستند، به طوری که ماده ۲۹ بدون در نظر گرفتن سایر مواد قابل درک نیست. علاوه بر اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک، دیگر جنبه‌های مربوط به کنوانسیون شامل مسئولیت والدین (مواد ۱۵ و ۱۸)، آزادی بیان و اندیشه (مواد ۱۳ و ۱۴)، حق دسترسی به اطلاعات، آموزش بهداشت و حق نامزدی در کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود بلکه در اجرای حق آموزش، آموزش دیگر مواد کنوانسیون نیز باید مدنظر قرار گیرند. همانند ماده ۴ که به اجرای حقوق مدرج در کنوانسیون، اعم از حق آموزش مربوط است. همچنین ماده ۵ (اصل عدم تبعیض)، ماده ۳ (در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک)، ماده ۶ (حق حیات، بقا و رشد) و ماده ۱۲ (حق ابراز آراء) عقاید کودک) که از این حقوق به‌عنوان اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک نام برده می‌شود باید همگی در اجرای حق بر آموزش مورد توجه قرار گیرند. از این رو، اصل در نظر گرفتن مصالح عالیبه کودک باید در همه عملکردهای مربوط به کودکان اعمال شود و این مسئله نیازمند تدابیر مناسب برای حمایت از حقوق شان، توسعه، بقا، رشد، حمایت و همکاری والدین و دیگر کسانی که مسئولیت اعمال حقوق کودک را بر عهده دارند، است.

**• حق بر آموزش در نظام حقوقی ایران و ایران چگونه قابل ارزیابی است؟**

نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر مبنای عقیدتی مبتنی بر دین مبین اسلام است. دینی که مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت، تبعیض و ارتقا و تکامل مقام انسانی است. انتخاب نام این کشور، فراهم آوردن زمینه تربیت مناسب و آموزش از جمله حقوقی است که از بین اسلام برای کودکان در نظر گرفته است. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به ارزش و منزلتی که انسان در این مکتب دارد، حقوق افراد نسبت به هم، حقوق پدر و مادر نسبت به فرزندان، حقوق فرزندان نسبت به والدین، حقوق فرد نسبت به دولت و حقوق حکومت نسبت به فرد مورد توجه قرار گرفته است. در قانون مدنی ایران برای تربیت ثانوی محدودی معین

آزادی را می‌ستایند، این شعر را می‌پسندد». اما به هیچ وجه تعریفی از آزادی ارائه نشده است. در ادامه باید یادآور شد که متأسفانه، همین تعداد کم یافته‌ها نیز به صورت متناسب میان کتب مختلف و سال‌های تحصیلی توزیع نشده‌اند؛ از مجموع، با توجه به لحاظ‌شماری از آرمان‌ها و ایده‌های حقوق بشری در زمره اهداف نظام آموزشی، قرار داده است و می‌خواهد دانش‌آموزان را در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری با باورها، ارزش‌ها و احکام دینی مربوط به آن حوزه‌ها تا حد ممکن آشنا کند و عمل به آن تعلیم را در دانش‌آموزان پرورش دهد.

**• حیطه حقوق کودکان یا دانش آموزان برای خود آنها مشخص شده‌است؟ آیا اطلاع جامعی در این موارد دارند؟**

در حالی که حقوق بشر بیش از همه نگران حقوق تک‌تک افراد است، در کشور ما و در تعریف و تدوین اهداف نظام آموزشی انجام وظایف اداری و مدیران آموزشی و دبیرستان نیز به نظر هم‌چنان تفوق دارد. به‌عنوان نمونه، در نظام آموزش و پرورش ایران، یک اجماع جهانی وجود دارد که منجر به از میان برداشتن شدن مرزهای خصمانه فرهنگ در سراسر جهان شده است.

اساسی و مواد اول و دوم قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی کودکان ایرانی بر اجباری بودن تربیت حکایت دارد. در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش در زمینه آموزش‌های مقطع ابتدایی قدم‌های چشمگیری برداشته است. در آماری که به‌تازگی از سوی وزیر آموزش و پرورش در ۹۶ رصده جمعیت واجب‌التعلیم توسط دولت وزارتخانه تحت‌پوشش قرار گرفته‌اند که شامل جمعیت روستایی بال‌اصخ دختران واجب‌التعلیم این جوامع می‌شود. با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز تعداد زیادی از دختران در ایران از آموزش محروم هستند. در حالی که میزان ثبت‌نام در سطح مدرسه بسیار رضایت‌بخش است، هزارها دختر در مناطق حاشیهای رود ترک تحصیل می‌کنند.

شرکت دختران روستایی در دوره‌های راهمانی و تحصیلی و بالاتر بال‌اصخ دبیرستان کمتر است و بیشتر ترک تحصیل دختران روستایی از همین‌جا آغاز می‌شود. متأسفانه فرهنگ حاکم بر جوامع روستایی ما نسبت به تحصیل دختران و بعضی عوامل دیگر مانع از ادامه تحصیل دختران روستایی در مقاطع بعد از دوره ابتدایی می‌شود. در استان‌های محروم مانند سیستان و بلوچستان تعداد کمتری از معلمان

در این که تمامی کودکان از جمله کودکان پنهاننده بدون تبعیض مبتنی بر جنسیت، مذهب، منشأ قومی، ملیت یا بی‌تابعیتی از فرصت‌های آموزشی برابر در تمامی مقاطع نظام آموزشی برخوردار باشند، اطمینان حاصل کنیم.

**• راهکارهای شما در خصوص توسعه و گسترش حق بر آموزش در نظام حقوقی ایران چیست؟**

آرمان دست‌یابی به نظم نوین و مطلوب جهانی ایجاد می‌کند با در پیش گرفتن تدابیری منسجم قدم در راه تلاش برای وصول به تعهدات کنوانسیون حقوق کودک و توصیه‌های کمیته برداریم. بر این بنیاد باید:

الف) تحصیلات اجباری و رایگان را پس از سال پنجم دوره ابتدایی گسترش داده و این طرح را بدون تأخیر به تمامی کودکان گسترش داده و این طرح را پنهاننده بدون تبعیض مبتنی بر جنسیت، مذهب، منشأ قومی، ملیت یا بی‌تابعیتی از فرصت‌های آموزشی برابر در تمامی مقاطع نظام آموزشی برخوردار باشند، اطمینان حاصل کنیم.

ب) تمامی نابرابری‌ها در زمینه منابع فراهم‌شده برای مدارس در مناطق شهری و روستایی را در منظور تضمین فرصت‌های برابر آموزش در سراسر کشور بر طرف کنیم.

ت) مدارس را به گونه‌ای بهتر با کتب درسی، مواد آموزشی و کمک آموزشی، معلمان آموزش‌دیده به‌ویژه معلمان زن تجهیز کرده و روش‌های یادگیری فعال، خلاق و مبتنی بر مشارکت در مدارس را برای ارتقای استعدادها، کودکان در جامعه و اقتصادی مبتنی بر دانش برسوم کنیم.

به نظر می‌رسد، برای تحقق هر چه بیشتر و بهتر حق آموزش در کشور نیازمند ضمانت اجرای قوی‌تر از جمله به رسمیت شناختن دادخواهی جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری، موردآستاند و استفاده قرار می‌گیرد. قلمرو سندن شامل بنیادین از دبستان تا پایان تحصیلات دبیرستانی است. تحولات بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی شامل تغییرات هماهنگ و متنظمی است که براساس یافته‌های مطالعات نظری باید تمامی عناصر، مولفه‌ها، فرایندها و روابط درون و بیرون نظام تربیت رسمی و عمومی و عملکرد ارکان و عوامل